



عثمانی ها در یمن

نویسنده: فرهی، عبدالله

اطلاع رسانی و کتابداری :: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا :: خرداد 1392 - شماره 181
از 43 تا 45

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/979534>

دانلود شده توسط : عبدالله فرهی

تاریخ دانلود : 1393/06/19 11:37:15

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



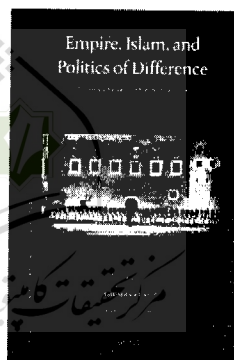
پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.com

عثمان‌ها در یمن

عبدالله فرهی^۱

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران؛ عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه مذاهب اسلامی



Empire, Islam, and Politics of Difference: Ottoman Rule in Yemen, 1849-1919

Author: Thomas Kuehn
Brill, 2011 [XXII+292 pp.]

امپراتوری، اسلام و سیاست تفرقه: حکومت عثمانی در یمن،

۱۸۴۹-۱۹۱۹

نویسنده: تامس کوهن

معرفی نویسنده

تامس کوهن، استادیار دانشگاه سیمون فریزر (SFU) در بریتیش کلمبیای کانادا، است. مهم‌ترین حوزه‌ی مطالعاتی وی، خاورمیانه است. او علاقه‌ی خاصی به پژوهش در سال‌های واپسین امپراتوری عثمانی در سرزمین یمن دارد. مهم‌ترین علایق پژوهشی وی را می‌توان تحقیق درباره‌ی چگونگی شکل‌گیری دولت و حکومت و امور وابسته به حکومت، فرهنگ، استعمارطلبی و تولید دانش در اواخر امپراتوری عثمانی (حدود ۱۷۰۰-۱۹۲۳)، و همچنین استعمارگری تطبیقی، ملی‌گرایی، ملت‌سازی و فرهنگ در خاورمیانه‌ی جدید دانست. علاوه بر این، وی ناظر تحولات تکمیلی در زمینه‌ی هویت، سیاست، اسلام سیاسی و سکولاریسم در خاورمیانه‌ی جدید (حدود ۱۸۵۰ تا کنون) با تأکید خاص بر ترکیه و ایران است. تا کنون تنها یک کتاب از وی منتشر شده است که در این نوشتار به بررسی آن خواهیم پرداخت. او مقالاتی نیز به چاپ رسانده است، که فهرست‌وار به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. لباس «غیرمتملن»: استخدام نظامی در یمن عصر عثمانی و تلاش برای ایجاد لباس متحدالشکل «یومی»؛

۲. مرز شاهنشاهی به عنوان مستعمره: تولید دانش و تشریح اختلاف در یمن دوران عثمانی، ۱۸۷۳-۱۹۱۸؛

۳. امپراتوری‌سازی و اسلام: حکومت عثمانی در یمن، ۱۸۷۳-۱۹۱۹؛

۴. نظم بخشیدن به یمن عصر عثمانی، ۱۸۷۳-۱۹۱۴؛

۵. آرایش فضای شهری در یمن عصر عثمانی، ۱۸۷۳-۱۹۱۴؛

۶. گزارشی درباره‌ی دوازدهمین سمپوزیوم کمیته‌ی بین‌المللی مطالعات پیشاعثمانی و عثمانی؛

۷. یمن عصر عثمانی از دیدگاه اصلاح‌طلبان عثمانی، ۱۸۷۹-۱۹۱۰؛

۸. شکل‌گیری و باز شکل‌گیری عثمانیه‌ی مستعمراتی: مشاخره بر سر مرزهای تفرقه و اتحاد در یمن عصر عثمانی، ۱۸۷۳-۱۹۱۹^۲؛

البته نویسنده در پیشگفتار، به بهره‌گیری از مقالات اول، پنجم و هشتم در نگارش فصول این کتاب اشاره کرده است (p. xii). با توجه به آثار نویسنده و اظهارات وی، و همچنین منابع و مآخذ مورد استفاده‌ی او، چنین برمی‌آید که مؤلف با زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، ترکی، عربی و فارسی آشنایی دارد.

منابع و مآخذ نویسنده

وی در تدوین این اثر به بایگانی‌ها و کتابخانه‌های بسیاری مراجعه کرده است، که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به بایگانی نخست‌وزیری، بایگانی دفتر شیخ‌الاسلام، کتابخانه‌ی آنتورک، کتابخانه‌ی دولتی بایزید، کتابخانه‌ی مرکز

در این کتاب، چگونگی فتح مجدد یمن توسط عثمانی‌ها و حکومت آن‌ها بر بخش‌های بزرگی از یمن امروزی در فاصله‌ی سال‌های ۱۸۴۹ م تا پایان جنگ جهانی اول - به دنبال دو قرن استقلال این سرزمین تحت حکومت سلسله‌های محلی - مورد بررسی قرار گرفته است

بیابان ربع الخالی در شرق امتداد یافته است. بخش عمده‌ی این منطقه طی سال‌های ۱۵۳۸ تا ۱۶۳۶ م و از ۱۸۴۹-۱۸۷۳ تا ۱۹۱۹ م بخشی از امپراتوری عثمانی شمرده می‌شد.

نویسنده اولین فصل کتاب خود را به مقدمه اختصاص داده است و در آن به ذکر توضیحاتی درباره‌ی عثمانی‌های مستعمراتی، پیش‌زمینه‌های درباره‌ی حکومت امپراتوری عثمانی در عربستان، شناخت یمن به لحاظ جغرافیایی و تعیین حدود و ثغور آن، سیاست، دین و مرزهای فرقه‌ای در یمن، سلسله مراتب اجتماعی و طرح کلی خود در این کار مطالعاتی طی پنج فصل بعدی، پرداخته است. اهتمام نویسنده در فصل دوم شناخت سیاست و جامعه در جنوب غرب عربستان طی اواسط قرن نوزدهم است. وی در این فصل به بررسی عملیات‌های نظامی عثمانی طی سال‌های ۱۸۷۱ تا ۱۸۷۳ م و متعاقب آن، به‌وجود آمدن ایالتی جدید به نام یمن پرداخته است. هم‌چنین، وی در این فصل در پی شناخت فرایندهای سیاسی و اجتماعی حاکم در جنوب غرب شبه‌جزیره‌ی عربستان است که فتوحات مجدد عثمانی‌ها را در این منطقه تسهیل کرد. تمرکز اصلی نویسنده نیز در این فصل بر روی چگونگی اضمحلال برجسته‌ترین قدرت این منطقه، یعنی حکومت سلسله‌ای امامان قاسمی، و پیدایش رقابت در میان امرای محلی است. در همین راستا، وی تلاش دارد تا نشان دهد که توجه به جنبش نزاع‌های شدید محلی صرفاً به نگارش آثاری از سوی دیوان‌سالاران و ادبای عثمانی محدود شده است. مقامات عثمانی نیز دلگرم به فتوحات سریع و قطعی خود در اوایل دهه‌ی ۱۸۷۰ م، می‌پنداشتند که بازگشت مردم محلی به میان تبعه‌ی وفادار به امپراتوری عثمانی باید هرچه سریع‌تر صورت پذیرد. در نتیجه، نهادهای حکومتی که در این ایالت جدید به‌وجود آوردند و رسوم اداری، بر الحاق به نظام امپراتوری عثمانی بسیار بیش‌تر از افتراق، تأکید داشتند.

همان‌گونه که مؤلف در فصل سوم نشان داده است، با توجه به منابع عثمانی از سال ۱۸۴۹ تا ۱۸۷۵ م فتح مجدد ارتفاعات یمن نه‌تنها آغازگر شکل بی‌واسطه‌تری از حکومت عثمانی بر این منطقه بود، بلکه حاکی از به‌وجود آمدن نگرش جدیدی نسبت به اقوام محلی نیز شمرده می‌شد. مقامات بلندپایه‌ای هم‌چون سرتیپ احمد راشد یا احمد مختار پاشا، نخستین ژنرال حاکم بر این ولایت جدید، بر خلاف مسؤولان سلف خود در ۱۸۴۹ م از جمعیت بومی چهره‌ای «عقب‌مانده» ترسیم کردند تا بر لزوم سیطره‌ی حکومت عثمانی بر آن‌ها جهت متمدن ساختن این اقوام تأکید کنند. به اعتقاد نویسنده، مقامات اداری و کارگزاران حکومتی امپراتوری عثمانی به این جامعه‌ی محلی - به سبب برداشت سطحی آن‌ها نسبت به مفاهیم اسلامی، چندبارگی سیاسی و اضمحلال مراکز بزرگ شهری - هم‌چون جامعه‌ای غیرمتمدن می‌نگریستند. لذا نظم بخشیدن به فضای ایالتی - برای مثال از طریق ایجاد سلسله مراتب در بخش اداری و پروژه‌های عمرانی شهری - عوامل اساسی

مطالعات اسلامی، و کتابخانه‌ی مطالعات شرقی در استانبول؛ کتابخانه‌ی ملی، و کتابخانه‌ی انجمن تاریخی ترک در آنکارا؛ بایگانی ملی در صنف؛ کتابخانه‌ی بریتانیا در لندن، بایگانی ملی در کیو، و کتابخانه‌ی ایالتی برلین اشاره کرد. نویسنده در مراجعه‌ی به این مراکز، توانسته است به تلگرام‌ها، گزارش کمیسیون‌ها و یادداشت‌هایی در زمینه‌ی مورد بحث دست یابد. نویسنده عکس‌های جلد این کتاب را نیز از کتابخانه‌ی مرکز تحقیقاتی تاریخ، هنر و فرهنگ اسلامی واقع در استانبول تهیه کرده است. با توجه به فهرست منابع و مآخذ ارائه شده توسط نویسنده در پایان کتاب، می‌توان اظهار داشت که وی در کنار کتب چاپی، از سالنامه‌ها، نشریات و روزنامه‌ها نیز بهره برده و تمرکز نویسنده در این کار مطالعاتی، بهره‌گیری از منابع برجای مانده‌ی عثمانی، بریتانیا و منابع محلی یمنی بوده است.

محتویات کتاب

در این کتاب، چگونگی فتح مجدد یمن توسط عثمانی‌ها و حکومت آن‌ها بر بخش‌های بزرگی از یمن امروزی در فاصله‌ی سال‌های ۱۸۴۹ م تا پایان جنگ جهانی اول - به دنبال دو قرن استقلال این سرزمین تحت حکومت سلسله‌های محلی - مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده بر اساس طیف گسترده‌ای از منابع و تحقیقات جدید سعی در تبیین این مطلب دارد که چگونه مفاهیم و شیوه‌های امپریالیستی حکومت عثمانی از طریق برخوردهای صورت گرفته بین مقامات عثمانی، رقبای اروپایی آن‌ها و جوامع محلی شکل گرفته‌اند؛ که نتیجه‌ی آن، نگاهی نو به ماهیت این حکومت در اواخر حکومت عثمانی است. این کتاب شامل شش فصل و یک نتیجه‌گیری است. در ابتدا و پیش از فصل‌های اصلی، تقدیرنامه، نکاتی درباره‌ی آوانگاری و تبدیل تواریخ هجری و میلادی، علائم اختصاری و نقشه‌ها آمده است. اما فصول آن به ترتیب عبارتند از: ۱. مقدمه؛ ۲. بازگشت ترک‌کان؛ عملیات‌های نظامی ۱۸۷۱-۱۸۷۳ و محتوای متن تنظیمات همایونی؛ ۳. دیدگاه‌های امپریالیستی؛ تولید دانش، امپراتوری و ایجاد تفرقه، ۱۸۴۹-۱۸۷۵؛ ۴. تشریح سیاست تفرقه در یمن عصر عثمانی «با توجه به آداب و رسوم، و تمایلات آن‌ها»، ۱۸۷۴-۱۸۹۱؛ ۵. نزاع برای نظمی عادلانه؛ قیام امامان زیدی و ایجاد دوباره‌ی تفرقه، ۱۸۹۰-۱۹۰۸؛ ۶. مرز امپراتوری به‌عنوان مستعمره؟ پیمان‌نامه‌ی دغان و تأکید مجدد بر عثمانی‌های مستعمراتی، ۱۹۰۵-۱۹۱۹.

به لحاظ جغرافیایی منظور از یمن در این کار مطالعاتی، قلمرویی وسیع در گوشه‌ی جنوب غربی شبه‌جزیره‌ی عربستان است که مرزهای اسی آن از دو سمت جنوب و غرب، به ترتیب به اقیانوس هند و دریای سرخ ختم می‌شود. یمن تقریباً در انطباق با قلمرو امروزی جمهوری یمن، از عصر در شمال تا خلیج عدن در جنوب، و از سواحل دریایی سرخ در غرب تا حاشیه‌های

نویسنده در پی تبیین تغییری سرنوشت‌ساز در رویکرد عثمانی نسبت به حکومت بر یمن است که بین سال‌های میانه‌ی دهه‌ی ۱۸۷۰ م تا اواخر دهه‌ی ۱۸۸۰ م رخ داد و منجر به گسترش «عثمانیه‌ی مستعمراتی» شد

عثمانی‌ها

حکومت عثمانی باقی ماند، و یک حاکمیت مشترک عثمانی-یمنی که در آن شاخه‌ی زیدی اسلام شیعی مسلط باقی ماند. تمهیدات در نظر گرفته شده در این پیمان‌نامه، به یحیی جایگاه رهبری جامعه‌ای زیدی و حاکمی وابسته تحت حاکمیت عثمانی داد. لذا می‌توان جایگاه وابسته‌ی زیدی‌ها در درون نظام امپراتوری عثمانی با رهبری سنی‌ها را کاملاً تأیید کرد. همچنین، این پیمان‌نامه حمایت مالی و نظامی مورد نیاز امام در برابر رقبای محلی وی را فراهم آورد و در نتیجه به او اجازه داد تا پایه‌ی قدرت خود را استحکام بخشد. او بر پایه‌ی آن قدرت و به دنبال عقب‌نشینی عثمانی‌ها از جنوب غرب عربستان در پی جنگ جهانی اول، توانست دولت یمنی مستقلی ایجاد کند.

پی‌نوشت

۱. نشانی الکترونیکی: farahi@ut.ac.ir

2. "Clothing the 'Uncivilized': Military Recruitment in Ottoman Yemen and the Quest for 'Native' Uniforms, 1872-1914", in: Suraiya Faruqi and Christoph K. Neumann (eds.), *Ottoman Costumes: From Textile to Identity*, Istanbul: Eren Publishers, 2004, pp. 143-156.
- "An Imperial Borderland as Colony: Knowledge Production and the Elaboration of Difference in Ottoman Yemen, 1872-1918", in: *The MIT Electronic Journal of Middle East Studies* 3 (Spring 2003), pp. 5-17.
- "Empire-Building and Islam: Ottoman Rule in Yemen, 1872-1919", in: *Items & Issues* 3, 3-4 (Summer/Fall 2002), pp. 20-22.
- "Ordering the Past of Ottoman Yemen, 1872-1914", in: *Turcica* 34 (2002), pp. 189-220.
- "Ordering Urban Space in Ottoman Yemen, 1872-1914", in: Jens Hanssen, Thomas Philipp, and Stefan Weber (eds.), *The Empire in the City: Arab Provincial Capitals in the Late Ottoman Empire*, Würzburg: Ergon Verlag, pp. 329-347.
- Report on the 12th Symposium of the Comité International d'Études Pré-Ottomanes et Ottomanes (CIEPO), Prague, 9-13 September 1996; in: *Orient* 38.1 (1997), pp. 28-30.
- "Krisenprovinz Wehrauchland? Der osmanische Jemen im Urteil osmanischer Reformer, 1879-1910", [Ottoman Yemen as viewed by Ottoman reformers, 1879-1910] in: *Jemen-Report* 27.2 (1996), pp. 4-9.
- "Shaping and Re-Shaping Colonial Ottomanism: Contesting Boundaries of Difference and Integration in Ottoman Yemen, 1872-1919", *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East* 27.2 (2007), 315-31.

جهت متمن کردن این اقوام بومی شمرده می‌شد.

در فصل چهارم، نویسنده در پی تبیین تغییری سرنوشت‌ساز در رویکرد عثمانی نسبت به حکومت بر یمن است که بین سال‌های میانه‌ی دهه‌ی ۱۸۷۰ م تا اواخر دهه‌ی ۱۸۸۰ م رخ داد و منجر به گسترش «عثمانیه‌ی مستعمراتی» شد. طی این دوران، مخالفت محلی با عرضه‌ی مستقیم‌تر، تمرکز در حکومت، فشارهای مالی به‌عنوان نتیجه‌ی ورشکستگی دولت و دلواپسی‌های روزافزون درباره‌ی رقابت‌های استعماری بریتانیا و ایتالیا در حوزه‌ی جنوبی دریای سرخ، کارمندان عثمانی را مجبور کرد تا نسبت به اوایل دهه‌ی ۱۸۷۰ م، بیش‌تر به انطباق ساختارها و اعمال اداری با اشکال اقتدار محلی بپردازند. آن‌ها تأکید بر حکومت محلی در یمن را از تلفیق به تفرقه تغییر دادند و بر اساس الگوهای خاص حکومت، به سیاست تفرقه روی آوردند. فعالان محلی، به‌ویژه سادات و رهبرای محلی، از این سیاست تفرقه در جهت پیشبرد برنامه‌های سیاسی، به نفع خود بهره‌برداری کردند و با هم‌دیگر به نزاع پرداختند. فصل پنجم مطالعه‌ی دقیق و موشکافانه درباره‌ی روش‌هایی است که با ظهور امام زیدی، المنصور بالله محمد بن یحیی حمیدالدین (متوفای ۱۹۰۴ م)، و پسر و جانشینش، یحیی، به‌عنوان برجسته‌ترین رهبران مخالف ضد عثمانی در یمن طی سال‌های ۱۸۹۱ تا ۱۹۰۷ م مورد استفاده قرار گرفت. سیاست‌های تفرقه که از نیمه‌ی دهه‌ی ۱۸۷۰ م پذیرفته شده بود، توسط آن‌ها به چالش کشیده شد و تغییراتی اساسی در آن‌ها داده شد. منصور و یحیی بر خلاف اسلافشان در دهه‌های ۱۸۷۰ و ۱۸۸۰ م، بر شورش‌هایی تا اعماق ولایت یمن در ۱۸۹۱-۱۸۹۲، ۱۸۹۸-۱۸۹۹ و ۱۹۰۴-۱۹۰۷ م غلبه کردند و فشار بر عثمانی‌ها را افزایش دادند.

همان‌گونه که رقابت حکومت با امامان بر سر وفاداری اقوام محلی افزایش یافت، مقامات ارشد اداری تردیدهایی جدی خود را درباره‌ی سیاست تفرقه که از اواخر دهه‌ی ۱۸۷۰ م شرح و بسط یافته بود، افزایش دادند و تلاش کردند تا آن را به طرّقی که اقوام محلی بتوانند به‌عنوان حقوق عادلانه‌ی مسلمانان بپذیرند، از نو طرح‌ریزی کنند. در همین راستا، ژنرال حسین حلمی پاشا، حاکم یمن، جمع‌آوری درآمد ولایت را با گرفتن آن از دست شیوخ محلی مجدداً سازماندهی کرد، تولید و فروش الکل را در سرتاسر ولایت ممنوع کرد و مقامات حکومتی را به پذیرش لباس رسمی علمای محلی ملزم نمود.

فصل ششم به این مسأله می‌پردازد که چگونه در پی قیام ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۷ م، سیاست تفرقه در جهت رسیدن به مطمئن‌ترین شکل خود در پیمان‌نامه‌ی دغان در اکتبر ۱۹۱۱ م تغییر شکل داد؛ پیمان‌نامه‌ای که به نزاع میان حکومت مرکزی عثمانی و امام یحیی پایان داد. پیمان‌نامه‌ی دغان نظم‌ی فرقه‌ای ایجاد کرد که در تاریخ یمن بی‌سابقه بود و بر اساس آن، این ایالت به دو بخش تقسیم شد: یک بخش تحت تسلط سنی‌ها که منحصرأ زیر نظر